

سند تحول، اهتمام از درون برای اصلاح

روز گذشته سند تحول قضایی کشور مشتمل بر ۴ فصل و به‌طور تفصیلی منتشر شد. اصل این اقدام در به رسمیت شناختن اشکالات موجود در دستگاه و فرآیندهای قضایی کشور و نیاز به اصلاح آنها را باید گامی مثبت ورو به جلو دانست. واقعیت این است که یک تحول



هوشنگ نوربایانی
حقوقدان

بنیادین و اساسی، ضروری‌ترین نیاز امروز دستگاه قضایی در ایران است. نیازی که عمق آن در جاهای مختلف احساس می‌شود. وضعیت قوانین ما نشان می‌دهد که انجم یک تحول در این زمینه بسیار ضروری است. گستره پر دامنه قوانین متناقض و ناسخ و منسوخ در بخش قوانین یکی از مسائلی است که سردرگمی‌های بسیاری در فرآیندهای قضایی ایجاد کرده و باعث مشکلات متعددی شده است. بنابراین باید این توضیح روشن می‌شود که ایجاد یک تحول و اصلاح بنیادین در حوزه قضایی کشور ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. چرا که به زعم بسیاری از فعالان این حوزه، از حقوقدانان و وکلا گرفته تا بخش زیادی از خود قضات وضعیت فعلی نمی‌تواند راه به جایی ببرد. در پس این ضرورت اکنون این سؤال قابل طرح است که سند تحول منتشر شده چقدر می‌تواند پاسخگوی نیاز یاد شده باشد؟ این سند را می‌توان در کلیات خود به سه بخش عمده تقسیم کرد؛ بخش عمده‌ای از آن در واقع بازتنویسی اصول، بندها و موادی از قوانین موجود تا تکبیدی مؤکد بر آن باشد. بخش دیگری از این سند تحول بنیادین به چشم می‌خورد که ممکن است در تناقض با برخی قوانین موجود باشد. اما بخش دیگری هم در سند یاد شده به چشم می‌خورد که اجرای آن ابتدا نیازمند فراهم نمودن بسترهایی به لحاظ ساختاری، قانونی و فنی است که هم‌اکنون دستگاه قضایی فاقد آن می‌باشد. با این تفاسیر به نظر می‌رسد که انجم یک تحول کارگشا و اساسی، ناظر به اصلاحات بنیادین در دستگاه قضایی موضوعی است که به چیزی فراتر از این سند نیاز دارد. به واقع خود این سند با توجه به نیازی که بستر به وجود آمدن آن شده باید به دست اصلاحات و تجدیدنظرهایی سپرده شود. مسأله اشکالات کار قضایی در کشور ما چیزی است که عبور از آن بیش از هر چیز نیازمند نگاهی موجه به بحث اصلاح قوانین می‌باشد و باید پذیرفت که چنین کار سترگی صرفاً از عهده یک سند تحول خارج است. کما اینکه بیشتر نیز برخی اقدامات که با هدف تغییر وضعیت دستگاه قضایی انجام شد و طی آن چندان به بستر قوانین توجه نگردید، نتوانست به مقصود می‌رسد. نمونه آن را می‌توان ایجاد شورا برای حل اختلاف و یا اقداماتی در جهت کاهش اطاله دادرسی دانست که خیلی به نتیجه رضایت بخش نرسیدند. کما اینکه تجربه نیز نشان داده بدون رفتن به عمق مشکلات، امکان فراموشی سدهایی از این دست در مرحله اجرا را نباید دست کم گرفت. البته با این تفاسیر باید هنوز هم انتشار و ابلاغ این سند را به عنوان نشانه‌ای دال بر به رسمیت شناختن مشکلات دستگاه قضایی و اهتمام درون دستگاه برای حل آن برشمرد که به خودی خود قابل تقدیر است. با همین زاویه نگاه است که باید امیدوار بود مقامات قضایی کشور انتشار این سند را نه به عنوان بخش پایانی کار تحول در قوه قضائیه، بلکه به عنوان قدم اول در این مسیر به شمارند و مسئله اقدامات بعدی را برابری رسیدن به یک تحول مؤثر از یاد نبرند. چه اینکه خود همین سند می‌تواند محمل خوبی برای دریافت نظرات و دیدگاه‌های افراد مختلف مرتبط با امورات قضایی باشد.

مستند غیر رسمی و گام مهم در سیاست رسانه‌ای

و امروز نقش رسانه‌ها در تحکیم رابطه ملت – دولت (به معنای عام) تأثیر فزاینده‌ای دارد. از این رو سیاست‌گذاری در عرصه رسانه‌ها و برای رسانه‌ها نیازمند ترمیم کارگذاری‌ها و چشم‌اندازهای دقیق و جامع است. عرصه‌ای سیاست‌گذاری رسانه‌ها، اتفاقاً در عصر رسانه‌های اجتماعی، پیچیده‌تر و دقیق‌تر شده‌اند و شکل‌گیری مفاهیم و مسائل جدید در عرصه رسانه‌های نوین، خصوصاً جایگزینی «ارتباطات تعاملی» یا «ارتباطات یکسویه» یا رسانه‌های سنتی ترنیا‌نامد سیاست‌گذاری‌ها دقیق‌تر و جامع‌تر است. در واقع رسانه‌ها به معنای عام سیاست‌گذاری معنایی یابد و اساساً نمی‌توانند در عرصه گسترده‌ای همچون رسانه‌ها، متغفل عمل کنند و از «قدرت» برآمده از آن چشم‌پوشی کنند. از طرف دیگر، وجوه تعاملی مخاطبان امروز، آنان را به متن تولید محتوا و تأثیرگذاری بر گفت‌مان‌های رسانه‌ای وارد کرده است. به نظر می‌رسد نگرش منفعل به عرصه سیاست‌گذاری و عدم تغییر در سیاست‌های پیشین، اثرات سویی خواهد داشت، بنابراین نیازمند گشایش و تغییر خواهد بود. از این رو پیش‌مستند (غیررسمی) را باید از این منظر تحلیل کرد. این مستند نشانه یک سیاست‌گذاری تازه رسانه‌ای و شناختی از مفهوم نیاز جدید مخاطبان (و در اینجا افکار عمومی) است و درواقع روایت غیررسمی از کیفیت دیدارهای رهبری انقلاب (برخلاف آنچه تاکنون در اخبار رسمی منتشر شده است) و به عبارتی دیگر نمایان شدن روایتی رسمی است از آنچه تاکنون از دیدافکار عمومی پنهان بود.

هرچند از سال‌ها پیش کم و بیش روایت‌هایی از دیدارها و گفت وشنودهای رهبر انقلاب با اهالی فرهنگ و علم منتشر شده است (همانند دیدار با شعرای دیدار با دانش‌جویان و استادان دانشگاه در شب‌های ماه مبارک رمضان) اما آن روایت‌ها کوتاه، گذرا و رسمی بوده است. مثلاً این پرسش همواره مطرح بوده که چرا وقتی رهبر انقلاب – که یک کتاب‌خوان و کتاب‌شناس حرفه‌ای است – به نمایشگاه کتاب می‌رود، دیالوگ و گفت‌وگوهای ایشان با ناشران و نویسندگان بخش نمی‌شود و یک خبر چند ثانیه‌ای حاصل دیدار سه – چهار ساعته شده است. تاکنون تلویزیون ایران که دارای تصویر خاصی و منحصر به فرد از دیدارهای رهبری است تصویری بکثوخت در قاپ‌های کاملاً رسمی از رهبر انقلاب پخش کرده است. اما مستند غیررسمی روایتی دیگر و صمیمانه‌تری را نشان می‌دهد. هرچند عنوان غیررسمی خود نیز جای تأمل دارد (که بهتر بود عنوان مناسب‌تری برای آن انتخاب می‌شد مگر نه اینکه رهبر انقلاب همین هستند که در این مستند نشان داده می‌شود پس چرا غیررسمی؟

به هر حال بازتاب‌های این مستند که راوی اتفاقات و خاطرات و گفت وگو‌های صمیمانه حوایشی جالب و خارج از کلیشه‌های رایج و ارائه تصویری متفاوت و البته حقیقی از آنچه جامعه تاکنون آن را ندیده، نشان می‌دهد که جای روایت‌های جدید و در عین حال بدون فیلتر چقدر در کنداکتور رسانه‌ای رسمی کشور خالی بوده است و این تأخیر، مخاطب را از روایت چه بخش‌هایی محروم کرده و البته این تأخیر خود تبعات منفی نیز همواره به دنبال داشته است. چندی پیش مستندی از یکی از رسانه‌های فارسی زبان خارج از کشور در باب شخصیت رهبر معظم انقلاب – که به انکاسی اندک تصاویر پرانگند و پازنمایی سوگیرانه و در بخش‌هایی واژگون بر ساخته شد – نشان داد که صداوسیمای به عنوان یک رسانه رسمی که دسترسی آن‌سازتری به آرشو اخبار و تصاویر دارد، در پی غفلت از سیاست‌های جدید رسانه‌ای، چگونه از رقیبان عقب می‌افتد و همین استفاده نکردن از فرصت‌ها خود به یکی از عوامل تحریک رسانه‌های رقیب برای پر کردن آن خلأها البته با سوگیری‌های مورد نظر خود تبدیل می‌شود. به نظر می‌رسد که هم رسانه‌ای‌ها و هم مسئولان منوجه آرایش جدید رسانه‌ای نیستند. اگر متوجه بودند، میدان را به دیگران واگذار نمی‌کردند.

به نظر می‌رسد اقدام جدید دفتر رهبر معظم انقلاب در تغییر سیاست‌های رسانه‌ای را که قطعه‌ای از حساس‌ترین مأموریت‌های رسانه‌ای در تراز ملی و جهانی است باید به فال نیک گرفت. این اقدام و اتخاذ ترتیبات جدید رسانه‌ای، با توجه به تنوع مخاطبان و پیچیدگی‌های موجود نظام رسانه‌ای گامی روبه جلو و آموزنده برای سایر مسئولان و مقامات است. بدون شک برخورداری از نگاه منطوبه‌ای، فرآیندی، تحلیل‌محور و استفاده از تمامی ظرفیت‌های رسانه‌ای امروز باید در دستور کار همه ارکان رسانه‌ای کشور باشد. باید آرایش جدید رسانه‌ای را درک کنیم و بر اصول و تاکتیک‌های موجود مسلط شویم.

سند تحول در دستگاه قضا منتشر شد

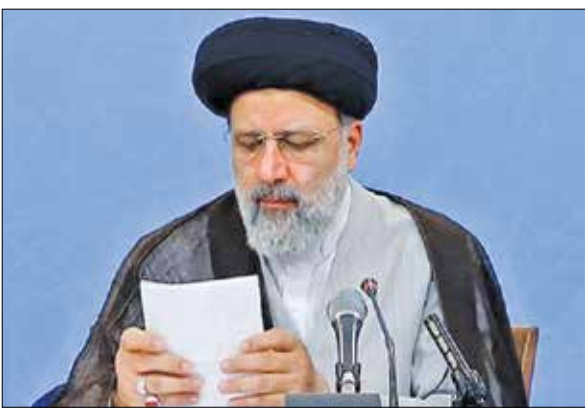
چرخش در عدلیه

گروه سیاسی/ پس از گذشت یک سال و نیم از آغاز اجرای سند تحول قضایی و ابلاغ برنامه‌های اجرایی به دادگستری و سازمان‌های تابعه از سوی رئیس قوه قضائیه، متن ارتقا یافته این سند دیروز ابلاغ و منتشر شد. سندی که پیش از روی کار آمدن سید ابراهیم رئیسی بر مسند ریاست دستگاه قضا جزو برنامه‌های او قرار گرفته بود، مأموریت‌هایی مهم در عدلیه را دنبال می‌کند که همانا هدف آن بازگشت به همان اصول ذکر شده در قانون اساسی است؛ رسیدگی به تظلمات و شکایات مردم، دفاع از آزادی‌های مشروع مردم، احیای حقوق عامه و گسترش عدالت، نظارت بر اجرای صحیح قوانین و حسن جریان امور، کشف جرم و تعقیب، مجازات و تعزیر مجرمین، پیشگیری از وقوع جرایم و، دعاوی، اصلاح مجرمان و حمایت از حقوق مالکیت افراد از جمله مواردی است که در این سند که مشتمل بر یک دیباچه، یک مقدمه و چهار فصل است ذکر

شده تا دستگاه قضا با در کنار هم قرار دادن همه مأموریت‌های ذاتی خود تبدیل به یک دستگاه در میدان، پیشرو و ته‌جامی شود. در این سند که با محوریت «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، «سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴»، «سیاست‌های کلی نظام» بویژه «سیاست‌های کلی امنیت قضایی» و «سیاست‌های کلی قضایی»، «بیانات حضرت امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی(مدظله‌العالی)»، اسناد و مطالعات انجام‌شده در زمینه تحولات راهبردی قوه قضائیه، اخذ نظرات صاحب‌نظران درون و بیرون قوه قضائیه با توجه به بازخوردها و نتایج حاصل از اجرای آن، «نسبت ارتقا یافته‌ی سند تحول قضایی» تدوین شد، با تمرکز بر شناسایی چالش‌ها از منظر مردم، به تک تک مأموریت‌های قوه قضائیه به تفصیل پرداخته شده و گفته شده که با انجام راهکارها و راهبردی ارائه شده

چه اتفاقی رقم خواهد خورد. همچنین عنوان شده که روش تنظیم سند بر اساس آسیب‌شناسی وضع موجود بوده و مجموعاً ۴۷ عامل ریشه‌ای اولویت‌دار از مجموعه اشکالات برای انجام اصلاحات در نظر گرفته شده است. بر اساس متن منتشر شده، در تدوین این سند گروهی مرکب از همکاران قوه قضائیه و صاحب‌نظران با تجربه حوزه و دانشگاه در عرصه‌های قضایی، حقوقی، انتظامی، مدیریتی، اقتصادی، اجتماعی، روانشناسی و تربیتی در کنار نخبگان جوان انقلابی، متخصص در تمام علوم بین‌رشته‌ای و متمرکز بر مسائل قضایی مشارکت کرده‌اند که ۸ کارگروه تخصصی ۲۰۰ نفره را شامل می‌شوند. در سند تحول قضایی ۱۴ چرخش تحول آفرین در قوه قضائیه به منظور انجام اصلاحات اساسی در دستگاه قضایی در نظر گرفته شده است. سند تحول قضایی که به عنوان معمار آینده دستگاه قضایی معرفی شده با نگاهی چالش محور برای

در هر بخش مطرح شده است. بخش آخر سند تحول به نظام راهبری و پایش این سند و همچنین ضمانت اجرایی آن پرداخته است. برای اجرایی شدن مفاد سند در زمانبندی مشخص شده، «ستاد راهبری اجرای سند تحول قضایی» به ریاست شخص حجت‌الاسلام والمسلمین رئیسی و عضویت مقامات عالیرتبه قضایی همچون معاون اول قوه قضائیه، رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل کشور تشکیل شده است و ذیل آن «دبیرخانه ستاد راهبری» مسئولیت‌های راهبری اجرای سند تحول پیش‌بینی شده‌اند تا به صورت مداوم نحوه اجرا و پیشرفت سند در نظام قضایی کشور را رصد و پایش کرده و موانع احتمالی پیش رو را از سرراه برداشته و همچنین پل ارتباطی باشند میان قوه قضائیه و نخبگان و کارشناسانی که برای ارتقای محتوا و اجرای مؤثرتر و مناسبت‌ر سند تحول پیشنهاداتی دارند.



برای انجام اقدامات است که شامل کوتاه‌مدت (تا تیرماه سال ۱۴۰۰)، میان مدت (تا تیرماه سال ۱۴۰۱) و بلند مدت (تا پایان سال ۱۴۰۲) می‌شود تا شخصیت مجری بداند تا چه زمانی باید مأموریت محول شده را به اتمام برساند. نکته مهمتر اینکه بعد از معرفی چالش‌ها در هر بخش راهکارها یا راهبردهایی هم برای رفع مشکلات

اولین‌بار شکل مرسوم در نگارش سند را تغییر داده و به جای نوشتن هدف برای مطلوب‌ها، برای وضع موجود چالش تعریف کرده و چالش هر مأموریت از منظر مصرف کننده نهایی آن چالش نوشته شده است. پایه دیگر این سند نگاه علت محور و تمرکز بر عوامل ریشه‌ای است و یکی از ویژگی‌های مهم آن ارائه زمانبندی

رسیدگی به تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات

قسمت از این قرار است: «تجمیع ظرفیت‌ها و تقویت تعامل و هم‌افزایی میان اندیشمندان و صاحب‌نظران.» دومین چالش در این بخش هم «اطاله در فرآیند رسیدگی» است که عوامل چندی برایش تعریف شده است. اولین عامل «کثرت و افزایش پرونده‌های ورودی به قوه قضائیه» است که دو راهبر «توسعه روش‌های حل اختلافات جایگزین رسیدگی قضایی و کاستن از مراحل غیرضروری دادرسی» پیشنهاد شده است.

عامل دوم در بروز اطاله هم «وجود زمینه‌های خطا در فرآیندهای رسیدگی» است که راهبرد «هوشمندسازی حداکثری فرآیندهای رسیدگی» برای آن پیشنهاد شده است. «حجم بالای ادعاهای اعسار از هزینه دادرسی» عامل سوم است با دو راهبرد پیشنهادی «عدم تشکیل پرونده با موضوع اعسار از هزینه دادرسی و تسهیل پرداخت هزینه دادرسی.» تجدید رسیدگی ناشی از ضعف در پیوند ابلاغ هم عامل دیگر در اطاله قلمداد شده با این راهبرد پیشنهادی «التمینان در دریافت ابلاغ در سامانه ثبت‌نام الکترونیکی.» عامل پنجم هم اطاله در فرآیند کارشناسی است با این راهبرد اجرای مطر شده «استانداردسازی فرآیند ارجاع و اخذ نظرات کارشناسی و تعیین محدودیت برای تعداد دفعات اعتراض اصحاب دعوا به نظرات کارشناسی.» چالش بعدی دستگاه قضایی در این بخش «اجرای ناقص و دیر هنگام برخی از احکام» است که اولین عامل آن «طولانی بودن فرآیند شناسایی دارایی و اموال محکومان» قید شده و برای رفع آن این راهبرد پیشنهاد شده: «کاهش مداخلات انسانی در شناسایی دارایی و اموال محکومان.» عامل دوم متواری بودن برخی از محکومان است با این راهبرد «افزایش تبعات متواری شدن محکومان.» «دشواری احراز اعسار از محکوم‌به» هم عامل دیگر این چالش برشمرده شده که برای آن راهبرد «افزایش تبعات ادعای غیرواقعی اعسار از محکوم‌به» پیشنهاد شده است.

در سند مفصل تحول قضایی مأموریت‌هایی تعریف شده که ذیل هر کدام از این مأموریت‌ها چالش‌های موجود در این حوزه به همراه عوامل بروز

این چالش‌ها و در نهایت راهکارها یا راهبردهای پیشنهادی

برای رفع آنها ارائه شده است.

«رسیدگی به تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات» یکی از این مأموریت‌هاست که ۳ چالش در آن تعریف شده است. اولین چالش «غیرمتقن بودن برخی از آراء و تصمیمات قضایی» است که اولین عامل بروز آن «تعارض، ابهام و نقض قوانین و مقررات» قید شده و راهبرد پیشنهادی برای رفع آن نیز «شناسایی هوشمند آراء متعارض و قوانین و مقررات متعارض، مبهم و ناقص» است. دومین عامل «نقص در زیرساخت‌های مؤثر برای صدور آراء و تصمیمات متقن» است که راهبردی‌ها در زیر برای آن در نظر گرفته شده است: «تخصصی کردن فرآیندهای رسیدگی، بهره‌گیری از ظرفیت متخصصان

در صدور آراء و تصمیمات متقن، استفاده از فناوری‌های هوشمند در فرآیند صدور آراء و تصمیمات قضایی و ایجاد شفافیت در فرآیند رسیدگی و صدور آراء قضایی.» عامل سوم هم «خطای برخی از نظرات کارشناسی» است که راهبر‌های زیر پیشنهاد شده «حذف مداخلات انسانی در ارجاع و ارائه نظرات کارشناسی، پیشگیری از صدور نظرات کارشناسی دادرست و تقویت فضای رقابتی در ارائه خدمات کارشناسی رسمی.» اظهارات خلاف واقع برخی از شهود و مطلعین» هم چهارمین عامل در این بخش است با دو راهبرد پیشنهادی «افزایش کیفیت اخذ شهادت شهود و اظهارات مطلعین و افزایش تبعات شهادت کذب.» در نهایت تصمیم عامل هم «روان‌مد نبودن بخش‌هایی از نظام‌ها و فرآیندهای دادرسی متناسب با قضای اسلامی» است که راهبردی مطرح شده در این

مأموریت اول

مأموریت دیگر تعبیه شده برای مسئولان قضایی در این سند، «احیای حقوق عامه، گسترش عدل و آزادی‌های مشروع» است که اولین چالش در این بخش «فراوانی مصادیق تضییع حقوق عامه» ذکر شده است. اولین عامل بروز این چالش هم «تشتم نظرات و رویه‌ها در حقوق عامه» است که برای رفع آن راهبرد «تجمیع ظرفیت‌ها و تقویت تعامل و هم‌افزایی میان نهادهای مسئول» ارائه شده است.

دومین عامل ضمانت اجرای ناکافی و کم اثر در صیانت از حقوق عامه است با این راهبرد پیشنهادی: «افزایش تبعات عدم اجرای قوانین مرتبط با صیانت از حقوق عامه.» غلبه رسیدگی به مصادیق خرد و فاقد اولویت تضییع حقوق عامه بر رفع زمینه‌های اصلی بروز آنها هم سومین عامل بروز چالش در این بخش است که ۳ راهبرد زیر پیشنهاد شده: «ارتقای شفافیت اطلاعاتی به‌منظور تقویت زمینه‌های امر به معروف و نهی از منکر، ایجاد فضای رقابتی و رفع انحصار برای دسترسی مردم به کالاها و خدمات عمومی و اساسی و مباحثات عامه و مدیریت تعارض منافع.» عامل دیگر محدودیت ظرفیت منابع انسانی دادستانی‌ها برای اعلام جرم است با این راهبرد پیشنهادی «توسعه مشارکت مردم در اعلام جرم نسبت به تضییع حقوق عامه.» تجدید سلیقه‌ای برخی از آزادی‌های مشروع هم چالش دیگر در این بخش است با عوامل متعدد بروز از جمله «ضمانت ناکافی صیانت از آزادی‌های مشروع» که برای آن راهبرد «افزایش تبعات تحدید آزادی‌های مشروع» مطرح شده است. دومین عامل «تفسیرپذیری قواعد حاکم بر برگزاری تجمعات» است با راهبرد «شفاف‌سازی ضوابط برگزاری تجمعات.» عامل سوم «حمایت ناکافی از آزادی مطبوعات» است با دو راهبرد پیشنهادی «ایجاد رویه واحد رسیدگی به تخلفات رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران و حمایت از

مأموریت دوم

نقدهای سازنده و منصفانه.» عامل دیگر «تضییع حقوق برخی از متهمان» است با راهبردهای مطرح شده به این شرح: «پیشگیری از تخلف ضابطان، تسهیل پذیرش وثایق و گفت‌الته، پیشگیری از صدور قرارهای غیرضروری یا نامتناسب، استانداردسازی و توسعه فضاهای بازداشتگاهی با استفاده از ظرفیت‌های جدید و پیشگیری از وقوع تخلفات مأموران بازداشتگاه‌ها و تحت نظرگاه‌ها.» کم توجهی به اجرای قانون جرم سیاسی هم یکی دیگر از عوامل بروز چالش در این بخش یاد شده با راهبرد پیشنهادی «ایجاد رویه واحد رسیدگی به جرایم سیاسی.» سومین چالش در احیای حقوق عامه «ناکافی بودن اقدامات انجام شده در امور حبسیه» است که «تضییع حقوق برخی از اطفال و نوجوانان در وضعیت مخاطره‌آمیز» عامل بروز آن یاد شده با ۳ راهکار زیر «تقویت شناسایی و حمایت از اطفال و نوجوانان در معرض خطر، توسعه ظرفیت‌های حمایتی از اطفال و نوجوانان بدسرپرست و بی‌سرپرست و افزایش تبعات رهاسازی فرزندان.» کثرت مصادیق تضییع حقوق ایران و ایرانیان در عرصه بین‌المللی هم چالش دیگر در این بخش است که یک عامل آن محاسبه متناسب با مصادیق تضییع حقوق ایران در عرصه بین‌المللی با راهبرد پیشنهادی تجمیع و هدایت هدفمند ظرفیت‌ها برای استیفای حقوق ایران در عرصه بین‌المللی است و عامل دیگر آن دشواری دسترسی برخی از ایرانیان خارج از کشور به خدمات حقوقی است با این راهکار مطرح شده «ارائه مجازی خدمات حقوقی به ایرانیان خارج از کشور.» تخریب چهره ایران در حوزه حقوق بشر و ترویج اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی توسط کشورهای نظام سلطه هم عامل دیگر بروز این چالش است با دو راهبرد مطرح شده: «تبیین ناکافی دستاوردهای حقوق بشری اسلام و ایران در عرصه بین‌المللی و اتخاذ رویکرد تهاجمی در مواجهه با مدعیان دروغین حقوق بشر.»

پیشگیری از وقوع جرایم و دعاوی

جرایم و دعاوی قید شده و برای رفع آن هم راهبرد «هوشمندسازی فرآیند شناسایی عوامل اصلی شکل‌گیری جرایم و دعاوی» پیشنهاد شده است.

دومین عامل، اقدامات پرانگند و کم‌توجهی به ظرفیت‌های درونی و بیرونی قوه قضائیه برای حذف عوامل اصلی شکل‌گیری جرایم و دعاوی است با این راهبرد پیشنهادی «انسجام بخشی و هدایت هدفمند تمامی ظرفیت‌ها برای حذف عوامل اصلی شکل‌گیری جرایم و دعاوی.» پایین بودن تبعات ارتکاب جرم هم چالش دیگر در این بخش است که عامل آن عدم کفایت بازدارندگی مجازات‌ها است و دو راهبرد برای رفع آن مطرح شده است «مؤثر و متنوع کردن مجازات‌ها متناسب با نوع جرایم و تقویت باور عمومی نسبت به بالا بودن توان تشفی جرم و برخورد قاطع و سریع با مجرمان.»

«پیشگیری از وقوع جرایم و دعاوی» هم مأموریت مهم دیگر دستگاه قضایی است

که اولین چالش موجود در این بخش «تزلزل در روابط حقوقی اشخاص» است. اولین عامل بروز این چالش هم «کمبود سازوکارهای پیشگیری از بروز اختلاف در معامله» قید شده با ۳ راهبرد مطرح شده برای رفع آن «ایجاد تقارن اطلاعاتی برای طرفین معامله، احراز و اعمال هوشمند شروط قراردادی و تقویت کیفیت خدمات دفاتر اسناد رسمی.» دشواری دسترسی عمومی به خدمات حقوقی دومین عامل بروز این چالش است با راهبرد پیشنهادی «تسهیل و تقویت خدمات حقوقی.» چالش بعدی ضعف در حذف عوامل اصلی شکل‌گیری جرائم و دعاوی است که اولین عامل آن عدم شناسایی کامل عوامل اصلی شکل‌گیری

مأموریت پنجم

کشف جرم، تعقیب و مجازات مجرمین

«کشف جرم، تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام» هم مأموریت دیگر مهم سند تحول قضایی

است که اولین چالش آن «دشواری کشف جرائم» است و اولین عامل بروز آن هم استفاده غیربهبه از توان کشف جرم قلمداد شده است. ۳ راهبرد برای این بخش مطرح شده است: «انجام تخصصی کشف جرم و تحصیل مشروع ادله، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در فرآیند کشف جرم و هوشمندسازی آن و تسهیل فرآیند صدور مجوزها و دسترسی ضابطان به اطلاعات.» دومین عامل هم بی‌توجهی به بهره‌مندی از سایر ظرفیت‌های کشف جرم است با این راهبرد پیشنهادی: «استفاده از ظرفیت‌های مردمی برای کشف جرم.» ضعف در کیفیت اجرای احکام کیفری هم چالش دیگر در این بخش است که عامل آن «ضمانت اجرای ناکافی قوانین و مقررات حاکم بر اجرای احکام کیفری» است با دو راهبرد مطرح شده برای رفع آن «اعمال هوشمند، شفاف و برخط اجرای آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های مرتبط با حقوق محکومان و پیشگیری از وقوع تخلفات مأموران اجرای احکام کیفری.»

مأموریت چهارم

است که اولین چالش آن «دشواری کشف جرائم» است و اولین عامل بروز آن هم استفاده غیربهبه از توان کشف جرم قلمداد شده است. ۳ راهبرد برای این بخش مطرح شده است: «انجام تخصصی کشف جرم و تحصیل مشروع ادله، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در فرآیند کشف جرم و هوشمندسازی آن و تسهیل فرآیند صدور مجوزها و دسترسی ضابطان به اطلاعات.» دومین عامل هم بی‌توجهی به بهره‌مندی از سایر ظرفیت‌های کشف جرم است با این راهبرد پیشنهادی: «استفاده از ظرفیت‌های مردمی برای کشف جرم.»

استفاده غیربهبه از توان نظارتی بر دادسرا‌ها و دادگاه‌ها است که عامل آن اکتفا به روش‌های سنتی نظرات است و برای رفع آن دو راهبرد مطرح شده «هوشمندسازی فرآیند نظرات دادسرا‌ها و دادگاه‌ها و استقرار نظام ارزیابی عملکرد قضات.»

فسادزا (۱۱) از نظارت‌های گذشته‌نگر، موردی، انسان‌پایه و متمرکز به نظارت‌های مستمر، همه‌جانبه، هوشمند و همگانی (۱۲) از اکتفا به نظارت‌های عملکرد محور به نظارت‌های همه‌جانبه و مأموریت محور (۱۳) از رویکرد منفعل و تدافعی در حوزه حقوق بشر به رویکرد پیشرو و تهاجمی (۱۴) از اکتفا به دانش حقوقی و قضایی به بهره‌مندی از دانش های نو، بین‌رشته‌ای و تجارب جدید بشری.

مدیریت مشارکت‌جو و مردم محور (۷) از غلبه محافظه‌کاری و مصلحت‌اندیشی به غلبه قاطعیت و تصمیمات انقلابی (۸) از اکتفا به مشهورات و پیش‌فرض‌های ذهنی رایج به بهره‌گیری از نگرش‌های بدیع برخوردار از عقلانیت (۹) از تهدیدنگری مبارزه با فساد درون قوه قضائیه به فرصتی برای صیانت از منابع انسانی خدم و ارتقای سرمایه اجتماعی (۱۰) از اکتفا به مقابله با مفسدین به شناسایی و حذف بسترهای

فعال و ایجابی (۳) از اکتفا به انجام حداقلی وظایف به استفاده حداکثری از تمامی ظرفیت‌های قوه قضائیه (۴) از غلبه رویکرد دادخواست‌محور به غلبه رویکرد گسترش‌دهنده عدل و حامی حقوق عمومی و آزادی‌های مشروع (۵) از نگرش قدیمی، غیر پاسخگو و غیرشفاف به نگرش هوشمند، پاسخگو و شفاف (۶) از مدیریت متمرکز و اکتفا به ظرفیت‌های درون سازمانی به

چرخش‌های تحول آفرین، تغییرات در جهت‌گیری‌های کلان قوه قضائیه است که چارچوب اصلی تعیین راهبردها را تشکیل می‌دهند. این چرخش‌ها عبارت‌اند از: (۱) نگاه بخشی به قوه قضائیه به همکاری و هم‌افزایی سازنده و مؤثر با سایر قوای قضائیه با استنباطی به آرمان‌های متعالی نظام جمهوری اسلامی ایران و تحقق عدالت برای شکل‌گیری تمدن اسلامی- ایرانی (۲) از مواجهه منفعل و پسیینی در حکمرانی قضایی به مواجهه

چرخش‌های تحول آفرین

چرخش‌های تحول آفرین، تغییرات در جهت‌گیری‌های کلان قوه قضائیه است که چارچوب اصلی تعیین راهبردها را تشکیل می‌دهند. این چرخش‌ها عبارت‌اند از:

(۱) نگاه بخشی به قوه قضائیه به همکاری و هم‌افزایی سازنده و مؤثر با سایر قوای قضائیه با استنباطی به آرمان‌های متعالی نظام جمهوری اسلامی ایران و تحقق عدالت برای شکل‌گیری تمدن اسلامی- ایرانی (۲) از مواجهه منفعل و پسیینی در حکمرانی قضایی به مواجهه